

تحلیل موضوعی پژوهش‌های علوم اسلامی در نشریات فارسی ایران

دکتر مجتبی محمدی مزرعه شاهی^۱

اعظم قصابیان^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل موضوعی پژوهش‌های علوم اسلامی در نشریات فارسی ایران به صورت عینی است. پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی — تحلیلی است که از محاسبه شاخص دربردارندگی و بهره‌گیری از تحلیل شبکه‌های اجتماعی برای انجام آن بهره برده شده است. جامعه پژوهش حاضر را ۶۴۷۷ مقاله فارسی در حوزه‌های مطالعات اسلامی («فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام») تشکیل می‌دهد که در مجلات علمی — پژوهشی ایران به چاپ رسیده‌اند. منبع اصلی استخراج اطلاعات این مقالات پایگاه نورمگز است. در بررسی بالاترین شباهت موضوعی بین چهار حوزه مورد بررسی در زمینه علوم اسلامی نشان داد که حوزه اخلاق از لحاظ واژگانی عملاً حوزه‌ای است که بخش نسبتاً قابل توجه‌ای از آن (۴۰ درصد شباهت موضوعی) در فلسفه و کلام ریشه دارد و پایه‌های دیگر آن در علوم قرآن و حدیث و همچنین فقه و اصول است. هم‌چنین، واژگان حوزه فلسفه و کلام شباهت کمی با واژگان فقه و اصول و اخلاق دارد. وجود بالای واژگان قرآن و حدیث در حوزه فلسفه و کلام نشان از آن دارد که فیلسوفان ایران نگاهشان به حوزه فلسفه و کلام به میزان بالا از زاویه مباحث قرآنی و حدیثی است. کلید واژه‌ها: مطالعات اسلامی، تحلیل موضوعی، شاخص‌های شباهت سنجی، مقالات نشریات، تحلیل شبکه‌های اجتماعی

۱- نویسنده مسؤول. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی میبد).

mojtaba۶۳mohammadi@gmail.com

۲- کارشناس ارشد رشته علم سنجی

مقدمه

جدیدترین اخبار و اطلاعات، قبل از آنکه در کتابها منتشر شوند، در نشریه‌های ادواری از طریق مقاله‌ها، نقدها و آگهی‌ها به چاپ می‌رسد. مطالعات، نقش نشریات علمی پژوهشی را در شکل‌گیری، پیدایش، رشد و توسعه یافتگی علوم تأیید می‌کنند (زکی، ۱۳۸۵). امروزه هزاران نشریه علمی در حوزه‌های مختلف در سراسر جهان منتشر می‌شوند که بررسی و ارزیابی عملکرد آن‌ها نیازمند بررسی‌های دقیق و کارشناسانه است. در این راستا مطالعات علم‌سنجی می‌توانند برای بررسی عملکرد نشریه‌های علمی نیز مورد استفاده قرار گیرند. نشریات علمی، مهمترین و معتبرترین وسیله‌ای هستند که گزارش و دستاورد پژوهش‌های علمی را منعکس می‌کنند. با توجه به توسعه رشته‌های دانشگاهی در حوزه علوم اسلامی، نشریات علمی نیز در این حوزه توسعه یافته است که منعکس‌کننده پژوهش‌های علمی، دانشگاهی و حوزوی است. حجم اطلاعات در هر زمینه‌ای به صورت تصاعدی در حال افزایش است و مطالعه همه آن‌ها ممکن نیست. علاوه بر آن، واقعیت‌های پنهانی در این اطلاعات وجود دارد که در صورت کشف آن‌ها، می‌توان در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی و فنی بهره برد. در تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی علوم و بیان رابطه بین آن‌ها، دوروش ذهنی (نظری) و عینی (عملی) وجود دارد. تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی‌هایی که در زمینه علوم و مطالعات اسلامی صورت گرفته است، بیشتر از جنبه نظری بوده است (مطهری (۱۳۷۲)، طباطبایی (۱۳۸۶)، جعفری (۱۳۶۰)). اما چگونگی و میزان رابطه بین این علوم از جنبه سنجشی و کمی مشخص نیست. از این رو، مسأله پژوهش، نامشخص بودن رابطه حوزه‌های مختلف مطالعات اسلامی در ایران بر اساس داده‌های کمی و عینی است. حل این مسأله، یک شمای کلی از رابطه بین حوزه‌های مختلف مطالعات اسلامی به دست خواهد داد که از طریق مطالعات میان‌رشته‌ای حاصل خواهد شد. در این پژوهش، به میزان اشتراک و رابطه موضوعات در مقالات و نشریات فارسی ایران در چهار حوزه «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» با نگاهی میان‌رشته‌ای پرداخته شده است.

امروزه، رشته‌های دانشگاهی مبنایی برای طبقه‌بندی دانش بشری شده‌اند؛ به طوری که مطالعه حوزه‌های میان‌رشته‌ای بر اساس رفتار و عملکرد آن‌ها در این طبقه‌بندی‌های دانش صورت می‌گیرد. به تبع حوزه‌های مطالعاتی رشته‌های دانشگاهی، پایگاه‌های اطلاعات علمی مختص آن‌ها از ترکیب یک یا چند حوزه مطالعاتی ایجاد شده‌اند (مصطفوی، و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهش‌های میان‌رشته‌ای یکی از تلاش‌های بسیار مولد و الهام‌بخش‌اند که با فراهم آوردن زمینه ارتباط میان علوم مختلف موجب حل مسائل پیچیده زندگی و در عین حال، توسعه دانش جدید می‌شوند (محمدی روزبهانی، ۸۸). در یک فعالیت علمی میان‌رشته‌ای، متخصصان دو یا چند رشته و تخصص علمی در ارتباط با شناخت، حل، یا

تحلیل یک پدیده، موضوع یا مسئله معمولاً پیچیده و واقعی با یکدیگر تعامل و همکاری علمی می‌کنند؛ بنابراین، فعالیت‌های علمی میان‌رشته‌ای زمانی معنا پیدا می‌کنند که شناخت و فهم علمی و دقیق پدیده یا مسئله‌ای پیچیده یا ناشناخته که از ظرفیت و دانش یک رشته یا تخصص خارج است، هدف باشد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸).

اهمیت مطالعات میان رشته‌ای بر اساس تحلیل موضوعی از آن جاست که موضوعات به عنوان نماینده موزائیک‌های ساختار دهنده علم می‌توانند نقش ایفا کنند. در پژوهش حاضر، فرض بر این است که تجلی ظاهری تئوری‌ها و نظریات در قالب عبارات و موضوعات است. زیرا در عمل، هر تئوری در قالب کلمات بیان می‌شود. از این جهت، موضوعات، برای جاهایی که به مطالعه تغییر علم و تفاوت‌های علمی می‌پردازد اهمیت پیدا می‌کنند. در علم سنجی، بخشی از مطالعات بر اساس تحلیل موضوعی صورت می‌گیرد که می‌توان اساس آن را بر این گذاشت که سنجش تغییرات و تفاوت‌ها در محتوای علم، با ابزاری به نام موضوع ممکن می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

موضوعات پر بسامد در حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» کدامند؟

میزان اشتراک و رابطه بین حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» از جنبه ارتباطات موضوعی چگونه است؟
 کدام موضوعات در حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» از مرکزیت بالاتری برخوردارند؟
 پیشینه‌ها:

نکونام (۱۳۷۸) تحت عنوان سخن‌سردبیر با موضوع «اقتراح (ماهیت پژوهش در علوم قرآن)» بیان می‌دارد، به سبب آن که تاکنون تصور منقحی از ماهیت پژوهش در علوم قرآن بدست داده نشده است، گروه‌های مختلف با تصورات متفاوتی سعی بر تحدید دامنه پژوهش‌های قرآنی دارند. به نظر وی، برخی از دانشمندان علوم قرآن به تصور اینکه پژوهش قرآنی صرفاً پژوهش در موضوعات خاص قرآن و متون ویژه آن است، قرآن‌پژوهان را از تحقیق بر روی موضوعات میان‌رشته‌ای باز می‌دارند. نیز بعضی از علمای روش تحقیق با این پندار که پژوهش برای حل مسأله‌ای خاص است، قرآن‌پژوهان را از تحقیق بر روی متون محروم می‌سازند.

داور پناه (۱۳۸۴) در پژوهش خود «روابط میان رشته‌ای در علوم انسانی: تحلیل استنادی»، را از دید



خمینی، که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در رفتار سیاسی ایشان داشته است، توجه به مباحث قرآنی و تفسیر سیاسی مختص به ایشان می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است. این نوع نگاه، موضوعات قرآنی را در بطن حوادث جاری در نظام داخلی و نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و برای موضوعات خارجی به تطبیق‌سازی متناسب با واژگان و مفاهیم قرآنی می‌پردازد که حالتی مرحله به مرحله را طی می‌کند. از تحلیل و تبیین واژگانی شروع و به مرحله تطبیق می‌رسد و در آخر به مرحله رفتار سیاسی متناسب با اصول قرآنی منجر می‌شود که در قالب مفاهیم و واژه‌های تعاملی و تقابلی منتشر می‌شود و به مرحله اصول‌سازی نیز منجر می‌شود. توکلی زاده راوری، دهقانی، نجابتیان و سهیلی (۱۳۹۴) به «تحلیل محتوای مقالات فارسی نشریات علمی ایران در زمینه ازدواج و طلاق با روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی» می‌پردازند. هدف پژوهش، تحلیل محتوای مقالات فارسی نشریات علمی ایران در زمینه ازدواج و طلاق با روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی است. در این پژوهش، محاسبه شباهت بین موضوعات مقالات ازدواج و طلاق بر اساس شاخص شمول صورت گرفته است. تحلیل محتوای مقالات در حوزه ازدواج و طلاق نشان داد که موضوعات زن و خانواده در هر دوحوزه دارای بیشترین بسامد است. نتایج خوشه‌بندی نشان داد که غالب خوشه‌های ازدواج با موضوعات اجتماعی و روان‌شناختی مرتبط است در حالی که در خوشه‌های طلاق، موضوعات روانشناختی و حقوقی نقش عمده ای دارد. این خوشه‌بندی‌ها نشان داد که محور اصلی خوشه‌های موضوعی ازدواج، موضوع زن و برای حوزه طلاق، موضوع خانواده است و زن موضوع محوری مباحث حقوقی طلاق به شمار می‌رود. هم‌چنین نشان داده شد که ۰/۶۷ از موضوعات طلاق شبیه موضوعات ازدواج و ۰/۳۸ از موضوعات ازدواج، شبیه به موضوعات طلاق است. نکته‌ای که در مقالات مورد مطالعه کمتر به آن توجه شده، مسائل جنسی است. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که موضوعات حوزه ازدواج کمتر به تعارضات زناشویی گرایش دارد.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که روش‌های کمی مانند تحلیل شبکه‌های اجتماعی و خوشه‌بندی، از فنون مهم و مورد استفاده در تحلیل‌های موضوعی بوده است و متخصصان موضوعی عمدتاً تحلیل‌های موضوعی به روش ذهنی را مد نظر داشته‌اند و این نکته در بیشتر مطالعات مربوط به علوم اسلامی دیده می‌شود. یک نگاه کمی گرایانه شاید بتواند مکملی برای این تحلیل‌های کاملاً ذهنی باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر نوعی مطالعه توصیفی کاربردی است که با استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی و با استفاده از فنون تحلیل شبکه‌های اجتماعی به بررسی روابط معنایی میان موضوعات مطرح در مدارک علمی فارسی در حوزه علوم اسلامی می‌پردازد. جهت انجام پژوهش از فرایندهای علم‌سنجی مانند تحلیل هم‌آیندی، تحلیل محتوا، تحلیل شبکه‌های اجتماعی و غیره استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش را

موضوعات موجود در مقالات نشریات فارسی حوزه‌های مطالعات اسلامی تشکیل می‌دهد که در مجلات علمی — پژوهشی به چاپ رسیده و در پایگاه نشریات تخصصی نورمگز نمایه شده‌اند. با جستجو در این پایگاه، بر اساس امکانات و گزینه‌های موجود، درخواست بازبایی مقالاتی در تاریخ ۹۴/۵/۱۲ با استفاده از نرم‌افزار راور پریمپ، چکیده مقالات را از پایگاه نورمگز به صورت ۵۰ تایی باز کرده و در قالب فایل نوت پد ذخیره شد. مقالاتی که در نشریات علمی - پژوهشی و فارسی قرار داشتند. این جستجو چهار بار صورت گرفت: در هر بار، مقالات یکی از حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق» و «فلسفه و کلام» بازبایی شد. در کل تعداد ۸۷۳۴ عنوان مقاله علمی — پژوهشی بازبایی شد. از میان آن‌ها، سخن سردبیر و مواردی از این قبیل حذف شد. نهایتاً، ۶۴۷۷ عنوان مقاله در چهار حوزه «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق» و «فلسفه و کلام» و تعداد ۵۴۰۷ نویسنده بازبایی شد و در پژوهش حاضر مورد تحلیل قرار گرفت.

از لحاظ عملیاتی، پس از بازیابی مقالات، اطلاعات کتابشناختی و چکیده هر یک از آن‌ها به صورت متن ساده ذخیره و سپس با امکانات موجود در مجموعه نرم‌افزاری آفیس، اطلاعات به صورت ستونی در اکسل ذخیره گردید. داده‌های موجود در اکسل، به فرمت قابل استفاده برای نرم‌افزار راور پریمپ تبدیل شد. برای اینکه بتوان از نرم افزار راور پریمپ استفاده شود باید تغییراتی در فایل مورد نظر داده شود. در حین تبدیل به فرمت پریمپ، چکیده و عنوان مقالات ترکیب و به روش شکاف‌دهی، نمایه سازی طبیعی گردید. برای ترسیم نقشه‌های موضوعی به روش شبکه‌ای، در ابتدا ماتریس هم‌رخدادی هر یک از چهار حوزه موضوعی مورد بررسی با استفاده از نرم افزار پریمپ تهیه و به فرمت اکسل ذخیره شد و سپس نقشه‌های شبکه‌ای با وارد نمودن ماتریس تهیه شده در نرم افزار یو.سی.آی.نت^۱ ترسیم گردید.

۴۴ مقاله در حوزه فقه و اصول و ۴۱۱۵ مقاله در حوزه فلسفه و کلام و ۱۵۸۵ مقاله در حوزه علوم قرآن و حدیث که بر اساس سؤالات پژوهش مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. برای تحلیل شبکه همکاری علمی پژوهشگران از شاخص خرد ۲ تحلیل شبکه‌های اجتماعی، یعنی از مرکزیت بینیت، استفاده شده است. شاخص‌های خرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی، به بررسی عملکرد، نقش و جایگاه مرکزی یک گره ۳ در شبکه‌های اجتماعی می‌پردازند. شاخص بینیت یک گره، بیانگر تعداد بارهایی است که آن گره در کوتاه‌ترین مسیر میان هر دو گره دیگر در شبکه قرار می‌گیرد. گره‌های دارای بینیت بالا نقش مهمی در اتصال شبکه ایفا کرده، از جایگاهی مرکزی در شبکه برخوردار بوده و در گردش

\, UCINet

2. Micro Level Metrics

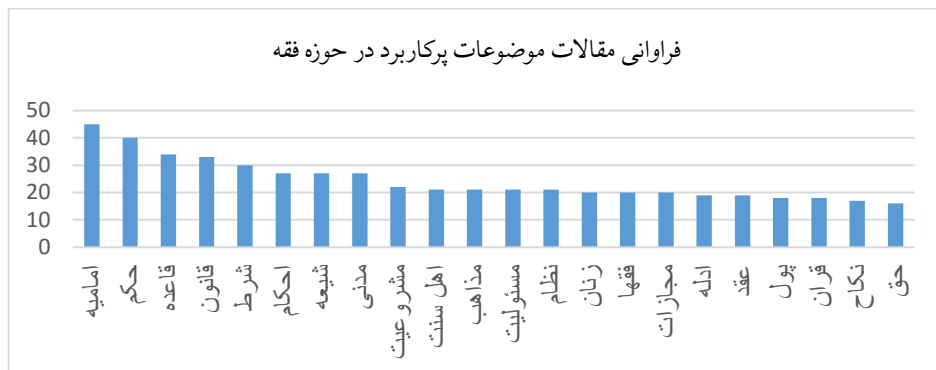
۳. Node

اطلاعات در شبکه، نقش مهمی برعهده دارند.

یافته‌ها

موضوعات پر بسامد در حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» کدامند؟

فراوانی موضوعات در حوزه فقه و اصول



تصویر ۱-۱: فراوانی موضوعات حوزه فقه و اصول در نشریات علمی پژوهشی ایران

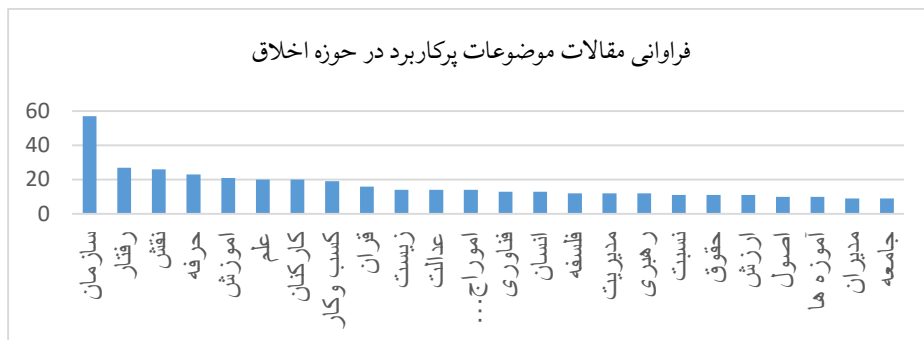
تصویر ۱-۱ از میان موضوعات موجود در مقالات، ۲۷ موضوع اصلی و محوری را نشان می‌دهد این موضوعات با توجه به تعداد تکرار انتخاب شدند. موضوعاتی که دارای حداقل فراوانی ۱۲ بودند. همانطور که در تصویر آمده است، موضوع امامیه با فراوانی ۴۵ و موضوع حکم با فراوانی ۴۰ و موضوع قاعده با فراوانی ۳۴ و موضوع قانون با فراوانی ۳۳ در راس موضوعات اصلی و محوری حوزه فقه و اصول قرار دارند.

جدول ۴-۲: تعداد فراوانی موضوعات و اعضای شبکه آن

ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات	ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات
۱	امامیه	۲۷۹	۴۵	۵	شرط	۱۴۷	۳۰
۲	حکم	۲۲۵	۴۰	۶	احکام	۱۴۵	۲۷
۳	قاعده	۲۰۳	۳۴	۷	شیعه	۱۷۳	۲۷
۴	قانون	۱۸۷	۳۳	۸	مدنی	۱۴۵	۲۷

جدول ۱-۱ فراوانی موضوعاتی که در مقالات وجود دارد و شبکه‌ای از موضوعات با هم در ارتباط با موضوع اصلی هستند را نشان می‌دهد. مثلاً موضوع امامیه در بحث فقه در ۴۵ مقاله مطرح گردیده و ۲۷۸ موضوع دیگر با آن در مقالات به صورت مستقیم آمده‌اند که یک شبکه آگوی موضوعی، متشکل از ۲۷۹

فراوانی موضوعات در حوزه اخلاق



تصویر ۱-۲: فراوانی موضوعات حوزه اخلاق در نشریات علمی پژوهشی ایران

تصویر ۱-۲ از میان موضوعات موجود در مقالات حوزه اخلاق، ۲۳ موضوع اصلی و محوری را نشان می‌دهد این موضوعات با توجه به تعداد تکرار انتخاب شدند. موضوعاتی که دارای حداقل فراوانی ۱۰ بودند. همانطور که در نمودار آمده است، موضوع سازمان با فراوانی ۵۷ و موضوع رفتار با فراوانی ۲۷ و موضوع نقش با فراوانی ۲۶ و موضوع حرفه با فراوانی ۲۳ در رأس موضوعات اصلی و محوری حوزه اخلاق قرار دارند.

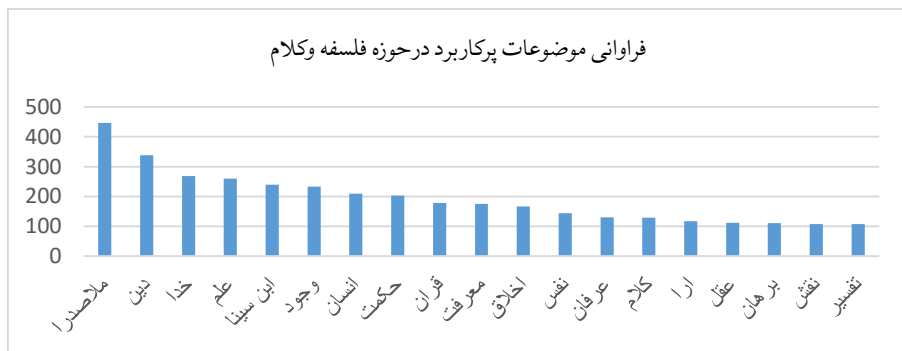
جدول ۱-۲: تعداد فراوانی موضوعات و اعضای شبکه آن

ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات	ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات
۱	سازمان	۲۸۵	۵۷	۶	کارکنان	۱۲۱	۲۰
۲	رفتار	۱۴۶	۲۷	۷	کسب و کار	۱۱۵	۱۹
۳	نقش	۱۷۵	۲۶	۸	علم	۱۲۷	۱۷
۴	حرفه	۱۳۲	۲۳	۹	قرآن	۹۵	۱۶
۵	آموزش	۱۲۸	۲۱	۱۰	اجتماعی	۸۵	۱۴

جدول ۱-۲ فراوانی موضوعاتی که در مقالات وجود دارد و شبکه‌ای از موضوعات با هم در ارتباط با موضوع اصلی هستند را نشان می‌دهد. مثلاً موضوع سازمان در بحث اخلاق در ۵۷ مقاله مطرح گردیده و ۲۸۴ موضوع دیگر با آن در مقالات به صورت مستقیم آمده‌اند که یک شبکه آگوری موضوعی، متشکل از ۲۸۵ موضوع را تشکیل داده‌اند.



فراوانی موضوعات در حوزه فلسفه و کلام



تصویر ۳-۱: فراوانی موضوعات حوزه فلسفه و کلام در نشریات علمی پژوهشی ایران

تصویر ۳-۱ از میان موضوعات موجود در مقالات حوزه فلسفه و کلام، ۲۳ موضوع اصلی و محوری را نشان می‌دهد. این موضوعات با توجه به تعداد تکرار انتخاب شدند. موضوعاتی که دارای حداقل فراوانی ۸۵ بودند. موضوع ملاصدرا با فراوانی ۴۴۷ و موضوع دین با فراوانی ۳۳۸ و موضوع خدا با فراوانی ۲۶۸ و موضوع علم با فراوانی ۲۶۰ در رأس موضوعات اصلی و محوری حوزه فلسفه و کلام قرار دارند. جدول ۳-۱ فراوانی موضوعات در حوزه فلسفه و کلام را نشان می‌دهد.

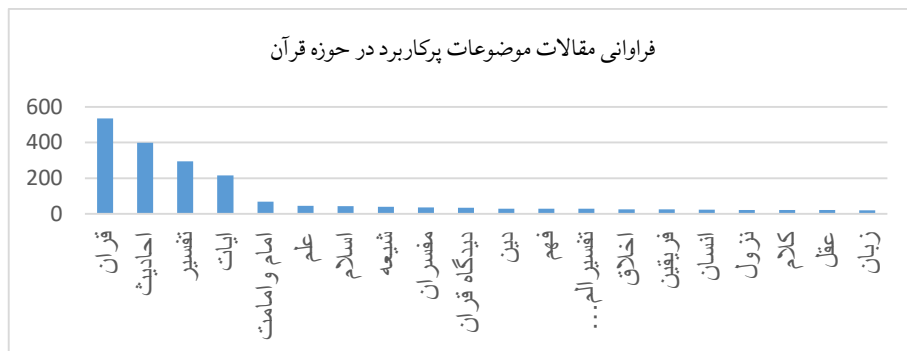
جدول ۳-۱: تعداد فراوانی موضوعات و اعضای شبکه آن

ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات	ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات
۱	ملاصدرا	۱۳۰۵	۴۴۷	۸	حکمت	۶۷۰	۲۰۳
۲	دین	۱۱۳۵	۳۳۸	۹	قرآن	۷۳۰	۱۷۸
۳	خدا	۹۶۲	۲۶۸	۱۰	معرفت	۶۵۷	۱۷۵
۴	علم	۹۲۳	۲۶۰	۱۱	اخلاق	۶۵۵	۱۶۶
۵	ابن سینا	۷۸۲	۲۴۰	۱۲	نفس	۵۲۹	۱۴۴
۶	وجود	۸۰۲	۲۳۳	۱۳	عرفان	۴۹۴	۱۳۰
۷	انسان	۷۹۷	۲۰۹	۱۴	کلام	۵۱۳	۱۲۹

جدول ۳-۱ فراوانی موضوعاتی که در مقالات وجود دارد و شبکه‌ای از موضوعات با هم در ارتباط با موضوع اصلی هستند را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد موضوع ملاصدرا در ۴۴۷ مقاله از مقالات فلسفی بیان شده و ۱۳۰۴ موضوع دیگر با آن در مقالات به صورت مستقیم آمده‌اند که یک شبکه آگوی موضوعی، متشکل از ۱۳۰۵ موضوع را تشکیل داده‌اند. موضوع دین در ۲۳۸ مقاله بیان شده و تعداد ۱۱۳۴ موضوع دیگر با آن در مقالات به صورت مستقیم آمده‌است و یک شبکه آگوی موضوعی، متشکل از ۱۱۳۵

موضوع را تشکیل داده است.

فراوانی موضوعات در حوزه علوم قرآن و حدیث



تصویر ۴-۱: فراوانی موضوعات حوزه علوم قرآن و حدیث در نشریات علمی پژوهشی ایران

تصویر ۴-۱ از میان موضوعات موجود در مقالات حوزه علوم قرآن و حدیث، ۲۳ موضوع اصلی و محوری را نشان می‌دهد این موضوعات با توجه به تعداد تکرار انتخاب شدند. موضوعاتی که دارای حداقل فراوانی ۲۰ بودند. موضوع قرآن با فراوانی ۵۳۵ و موضوع احادیث با فراوانی ۳۹۹ و موضوع تفسیر با فراوانی ۲۹۵ در رأس موضوعات اصلی و محوری حوزه علوم قرآن و حدیث قرار دارند.

جدول ۴-۱: تعداد فراوانی موضوعات و اعضای شبکه آن

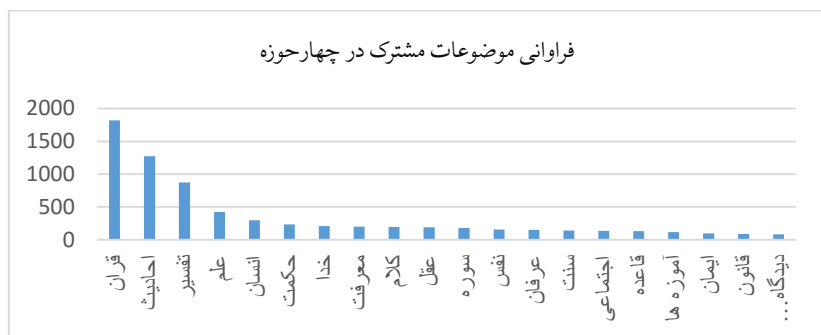
ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات	ردیف	موضوع	موضوعات مرتبط	فراوانی مقالات
۱	قرآن	۱۹۲۲	۵۳۵	۹	مفسران	۱۸۷	۳۶
۲	احادیث	۱۵۴۲	۳۹۹	۱۰	دین	۱۵۰	۲۹
۳	تفسیر	۱۱۳۲	۲۹۵	۱۱	اخلاق	۱۱۹	۲۶
۴	آیات	۹۶۴	۲۱۶	۱۲	انسان	۱۰۹	۲۴
۵	امام و امامت	۲۹۳	۶۹	۱۳	آموزه ها	۱۰۷	۱۹
۶	علم	۱۹۸	۴۵	۱۴	کلام	۱۰۴	۲۲
۷	اسلام	۲۱۳	۴۳	۱۵	عقل	۹۵	۲۱
۸	شیعه	۱۸۸	۴۰	۱۶	خدا	۹۰	۱۴

جدول ۴-۱ فراوانی موضوعاتی که در مقالات وجود دارد و شبکه‌ای از موضوعات با هم در ارتباط با موضوع اصلی هستند را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد موضوع قرآن در ۵۳۵ مقاله از مقالات علوم قرآن و حدیث بیان شده و ۱۹۲۱ موضوع دیگر با آن در مقالات به صورت مستقیم آمده‌اند که یک شبکه آگوی موضوعی، متشکل از ۱۳۲۲ موضوع را تشکیل داده‌اند. موضوع احادیث در ۳۹۹ مقاله بیان شده و تعداد ۱۵۴۱ موضوع دیگر با آن در مقالات به صورت مستقیم آمده است و یک شبکه آگوی موضوعی، متشکل از

موضوعات مشترک تمامی حوزه‌ها

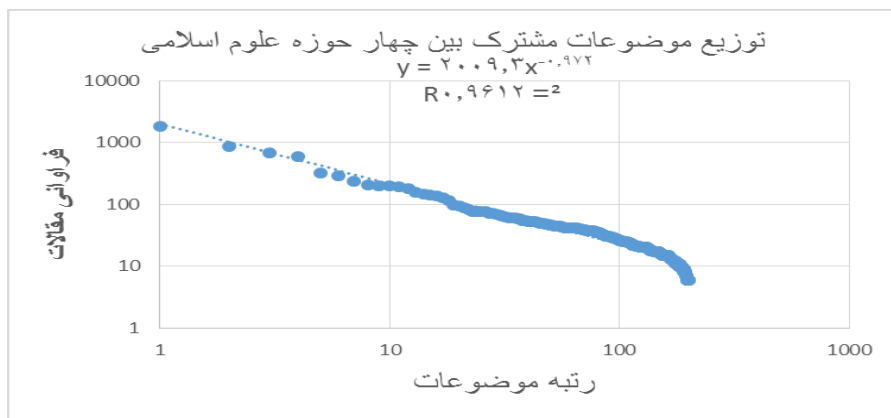
میزان اشتراک و رابطه بین حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» از جنبه ارتباطات موضوعی چگونه است؟

موضوعات تصویر ۵-۱، اصلی‌ترین موضوعات مشترک بین همه حوزه‌های علوم اسلامی است که بر مبنای مجموع فراوانی کلی آن‌ها استخراج شده است.



تصویر ۵-۱: فراوانی موضوعات مشترک چهار حوزه در نشریات علمی پژوهشی ایران

تصویر ۶-۱، موضوعات مشترک چهارحوزه پژوهش که شامل ۲۰ موضوع اصلی و محوری است را نشان می‌دهد، این موضوعات با توجه به تعداد تکرار انتخاب شدند. موضوعاتی که دارای حداقل فراوانی ۸۲ بودند. همانطور که در نمودار آمده است، موضوع قرآن با فراوانی ۱۸۱۹ و موضوع احادیث با فراوانی ۱۲۷۲ و موضوع تفسیر با فراوانی ۸۷۲ و موضوع علم با فراوانی ۴۲۶ موضوعات اصلی و محوری چهارحوزه مورد پژوهش قرار دارند.



تصویر ۶-۱ موضوعات مشترک چهار حوزه در نشریات علمی پژوهشی ایران

شاخص دربردارندگی

شاخص‌های دربردارندگی نشان می‌دهد که چه میزان از موضوعات یک حوزه، در حوزه دیگر به کار رفته است. و به طور کلی میزان شباهت هر حوزه نسبت به حوزه دیگر، به صورت نا متقارن تعیین می‌گردد. برای به دست آوردن این شاخص تعداد مقالات در هر حوزه را استخراج شد. جدول (۱-۵)

جدول ۱-۵ تعداد کل مقالات در چهار حوزه موضوعی

موضوع	فقه و اصول (p)	علوم قرآن و حدیث (q)	اخلاق (a)	فلسفه (f)
کل مقالات	۲۸۵۵	۵۲۹۳	۱۷۷۷	۱۰۹۲۴

مرحله بعد طبق جدول ۱-۶ شاخص دربردارندگی را محاسبه کردیم.

جدول ۱-۶ شباهت موضوعی حوزه‌های علوم اسلامی به یکدیگر

ردیف	شباهت نامتقارن	اشتراک	درصد دربردارندگی
۱-	اخلاق به فلسفه و کلام	۶۹۲	$\frac{a \cap f}{a} = \frac{692}{1777} = 38\%$
۲-	فلسفه و کلام به اخلاق	۶۹۲	$\frac{f \cap a}{f} = \frac{692}{10924} = 0.6\%$
۳-	اخلاق به فقه و اصول	۳۷۳	$\frac{a \cap p}{a} = \frac{373}{1777} = 21\%$
۴-	فقه و اصول به اخلاق	۳۷۳	$\frac{p \cap a}{p} = \frac{373}{2855} = 13\%$
۵-	اخلاق به قرآن	۴۳۵	$\frac{a \cap q}{a} = \frac{435}{1777} = 24\%$
۶-	قرآن به اخلاق	۴۳۵	$\frac{q \cap a}{q} = \frac{435}{5293} = 0.8\%$
۷-	فلسفه و کلام به فقه و اصول	۸۴۸	$\frac{f \cap p}{f} = \frac{848}{10924} = 0.7\%$
۸-	فقه و اصول به فلسفه و کلام	۸۴۸	$\frac{p \cap f}{p} = \frac{848}{2855} = 29\%$
۹-	فقه و اصول به قرآن	۶۵۰	$\frac{p \cap q}{p} = \frac{650}{2855} = 0.5\%$
۱۰-	قرآن به فقه و اصول	۶۵۰	$\frac{q \cap p}{q} = \frac{650}{5293} = 12\%$
۱۱-	قرآن به فلسفه و کلام	۱۳۹۷	$\frac{q \cap f}{q} = \frac{1397}{5293} = 26\%$
۱۲-	فلسفه و کلام به قرآن	۱۳۹۷	$\frac{f \cap q}{f} = \frac{1397}{10924} = 29\%$

جدول بالا از سه ستون تشکیل شده است. در ستون اول، شباهت هر حوزه موضوعی به صورت



نامتقارن با حوزه دیگر سنجیده شده است. ستون دوم میزان اشتراک میان موضوعات را نشان می‌دهد. ستون سوم درصد دربردارندگی را طبق فرمول مشخص می‌کند. با استفاده از نرم افزار اکسل داده‌های دو گروه رادر یک ستون از نرم افزار اکسل زیرهم قرار داده شد و بعد از مرتب شدن موضوعات مشترک با استفاده از فرمول:

$$IF (A_2=A_1;"NO";"Commom")$$

استخراج شد. سپس کل داده‌ها را از حالت فرمول خارج کرده و براساس ستون آخر sort کرده و مشترکات را نگه داشته و بقیه را از جدول حذف می‌کنیم. این اشتراکات را در صورت کسر قرار دادیم و بر کل مقالات حوزه اولی تقسیم کردیم. درحوزه اخلاق و فلسفه طبق فرمول $(\frac{anf}{a})$ ، (در این فرمول منظور مقالات اخلاق = a، فلسفه = f می‌باشد) محاسبه گردید.

طبق نتایج به دست آمده از این جدول، می‌توان بیان داشت ۳۸ درصد از موضوعاتی که در اخلاق مطرح شده، درحوزه فلسفه و کلام مطرح گردیده است. به عبارتی، حوزه فلسفه و کلام تا حدودی زیر مجموعه اخلاق قرار گرفته است. ولی درحوزه فلسفه و کلام ۶ درصد از موضوعات مطرح شده در اخلاق وجود دارد. از مقایسه حوزه فقه و اصول و اخلاق می‌توان بیان کرد که ۲۱ درصد از موضوعاتی که در اخلاق مطرح شده در حوزه فقه و اصول هم وجود دارد و همچنین ۱۳ درصد از موضوعات فقه و اصول در حوزه اخلاق وجود دارد. از مقایسه دو حوزه قرآن و فلسفه و کلام می‌توان بیان کرد که ۲۶ درصد از موضوعاتی که در قرآن و حدیث مطرح شده در فلسفه و کلام هم مطرح گردیده است. در حوزه فلسفه و کلام ۲۹ درصد از موضوعات مطرح شده قرآنی هستند و این دو در چهارحوزه از نظراشتراک موضوعی خیلی بهم شباهت دارند.

ترسیم نقشه‌های موضوعی

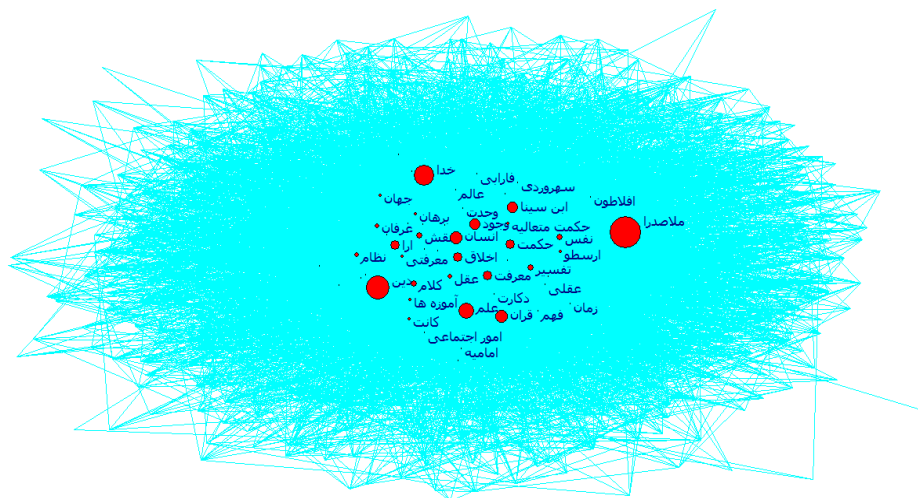
با ترسیم نقشه‌های علمی و بررسی شاخص مرکزیت بینابینی (بینیت) در هر کدام از چهارحوزه موضوعی مورد تحلیل، نتایج زیر حاصل شد.

کدام موضوعات در حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» از مرکزیت بالاتری برخوردارند؟

حوزه فلسفه و کلام

شاخص مرکزیت بینابینی روی موضوعات کلی حوزه فلسفه و کلام، نقشه (۱) باعث استخراج موضوعات ملاصدرا، خدا، ابن سینا، سهروردی، حکمت متعالیه، علم، قرآن و... می‌باشد. این‌ها موضوعات مهم در مباحث فلسفه و کلام ایران است به طوریکه اگر این‌ها از مباحث فلسفه ایران حذف شود موضوعات دیگر، بالتبع آن‌ها از حوزه فلسفه خارج می‌شوند به عبارتی، این‌ها موضوعات پایه در فلسفه ایران می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: ملاصدرا، خدا، دین، علم، انسان می‌باشد.

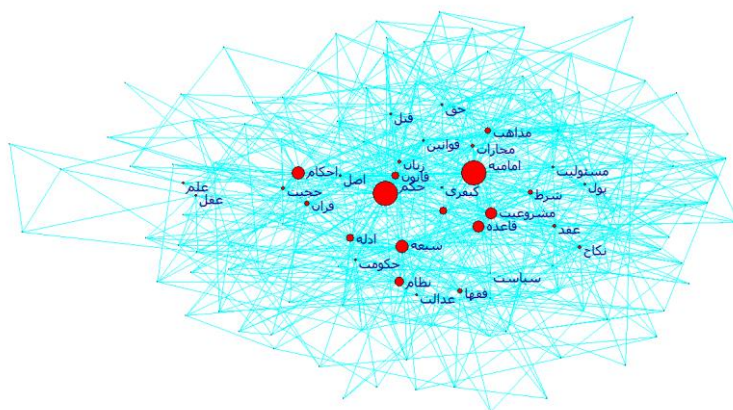




تصویر ۱: نقشه روابط موضوعی در حوزه فلسفه و کلام بر اساس مرکزیت بینایی

حوزه فقه و اصول

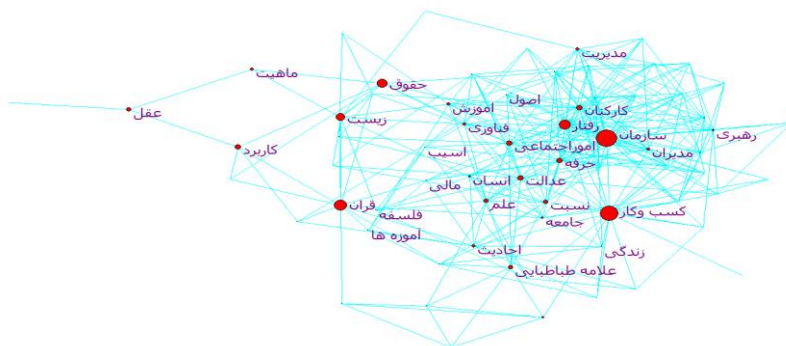
شاخص مرکزیت بینابینی روی موضوعات کلی حوزه فقه و اصول، نقشه (۲) باعث استخراج موضوعات امامیه، حکم، احکام، شیعه، ادله، قاعده، مجازات، زنان، قانون، عدالت، حکومت، فقه، نظام، قتل، حق شد. این‌ها موضوعاتی هستند در فقه و اصول که موضوعات رابه هم پیوند می‌دهند. امامیه، حکم، احکام، شیعه و.. بیشترین بینابینی راداشته‌اند، این به این معناست که حضور موضوعات دیگر به خاطر حضور این موضوعات است.



تصویر ۲: نقشه روابط موضوعی در حوزه فقه و هاصول بر اساس مرکزیت بینایی

حوزه اخلاق

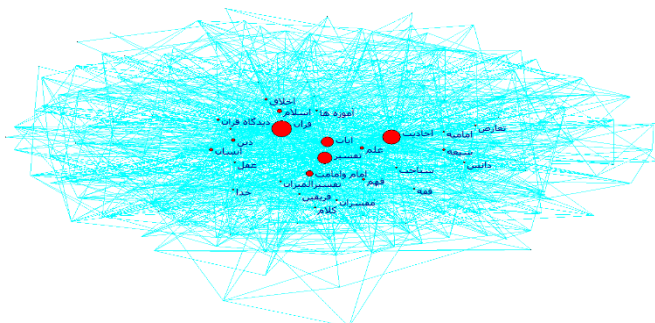
شاخص مرکزیت بینایی روی موضوعات کلی حوزه اخلاق، نقشه (۳) باعث استخراج موضوعات سازمان، کسب و کار، قرآن، رفتار، زیست، حقوق، کارکنان، اموراجتماعی، فناوری، آموزش، علم، انسان، نسبت، جامعه، علامه طباطبایی شد. این ها موضوعاتی هستند در اخلاق که موضوعات را به هم پیوند می دهند. سازمان، کسب و کار، قرآن، رفتار و.. بیشترین بینایی را داشته اند. این به این معناست که حضور موضوعات دیگر به خاطر حضور این موضوعات است.



تصویر ۳: نقشه روابط موضوعی در حوزه اخلاق بر اساس مرکزیت بینایی

حوزه علوم قرآن و حدیث

شاخص مرکزیت بینایی روی موضوعات کلی حوزه علوم قرآن و حدیث، نقشه (۴) باعث استخراج موضوعات قرآن، احادیث، تفسیر، آیات، علم، امام و امامت، فهم، آموزه ها، تفسیرالمیزان، اسلام، خدا، کلام، فریقین شد. این ها موضوعاتی هستند در علوم قرآن و حدیث که موضوعات را به هم پیوند می دهند. قرآن، احادیث، تفسیر، آیات، علم بیشترین بینایی را داشته اند. این ها موضوعات پایه در حوزه علوم قرآن و حدیث هستند. به نحوی که اگر این موضوعات از حوزه علوم قرآن و حدیث حذف شود دیگر جایی برای بحث در این حوزه نمی ماند.



تصویر ۴: نقشه روابط موضوعی در حوزه علوم قرآن و حدیث بر اساس مرکزیت بینابینی

بحث و نتیجه گیری

موضوعات پر بسامد در حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» کدامند؟ نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که فراوانی موضوعات مقالات در هریک از چهار حوزه از یک رابطه‌نمایی برخوردار بوده و موضوعات کلیدی اصلی هریک از این چهارحوزه با دربر داشتن بیشترین فراوانی در سطر نمودار وجدول جا گرفته‌اند. مثلاً در حوزه علوم قرآن و حدیث موضوعات اصلی آن تفسیر، احادیث و آیات قرآن بیشترین فراوانی را به خود دارند.

میزان اشتراک و رابطه بین حوزه‌های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» از جنبه ارتباطات موضوعی چگونه است؟ در بررسی بالاترین شباهت موضوعی بین چهار حوزه مورد بررسی در زمینه علوم اسلامی نشان داد که حوزه اخلاق بیشترین شباهت موضوعی را به فلسفه و کلام دارد. به عبارتی بخش قابل توجه‌ای از واژگان به کار رفته در اخلاق در فلسفه و کلام نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این می‌تواند تداعی‌کننده این نکته باشد که اخلاق به صورت عمده از مباحث فلسفه و کلام است و تایید این نکته آن جاست که دیده می‌شود در مقایسه، واژگان حوزه فلسفه و کلام شباهت ناچیزی با واژگان اخلاق دارد. به زبانی دیگر، فلسفه خود حوزه‌ای گسترده است که به حوزه‌های مختلفی از جمله اخلاق، ارتباط دارد. نکته جالب اینجاست که نزدیک به یک چهارم از واژگان موضوعی اخلاق در فقه و اصول نیز مورد توجه است و همین مقدار نیز در علوم قرآن و حدیث قرار دارد. بنابراین علاوه بر اینکه اخلاق قرابت زیادی با فلسفه و کلام دارد با دو حوزه دیگر نیز نزدیکی دارد.

حوزه اخلاق از لحاظ واژگانی عملاً حوزه‌ای است که بخش نسبتاً قابل توجه‌ای از آن (۴۰ درصد) در فلسفه و کلام ریشه دارد و پایه‌های دیگر آن در علوم قرآن و حدیث و همچنین فقه و اصول است.

در حوزه فلسفه و کلام می‌توان بیان کرد که: یک حوزه گسترده است که اندکی از موضوعات آن مربوط به اخلاق می‌شود و شباهت واژگانی آن با اخلاق کمی بیشتر از ۵ درصد است. به عبارتی حدود ۹۵ درصد از واژگان فلسفه و کلام چیزی است که در حوزه اخلاق جایگاهی نداشته است. این مسئله نیز در مورد شباهت واژگان فلسفه و کلام به فقه و اصول نیز صدق می‌کند. در اینجا نیز دیده می‌شود که در واژگان گسترده فلسفه و کلام موضوعاتی که در فقه و اصول نیز مطرح شده است کمی بیش از ۵ درصد است. این نشان می‌دهد که فلسفه و کلام ذاتاً ارتباطی با فقه و اصول ندارد و آن چه که بین این دو ارتباط برقرار می‌کند نیاز به مباحث فلسفی در فقه و اصول است. نکته جالب این جاست که حدود ۳۰ درصد از واژگانی که در فلسفه و کلام به کار رفته است، در حوزه علوم قرآن و حدیث نیز به کار رفته است. این نشان از آن دارد که رابطه قوی بین مباحث فلسفی و کلامی و مباحث قرآنی و حدیثی در ایران وجود دارد.

واژگان فلسفه و کلام شباهت کمی با واژگان فقه و اصول و اخلاق دارد. شباهت کم آن با فقه و اصول به این بر می گردد که این دو حوزه ذاتاً متفاوت هستند و وجود بالای واژگان قرآن و حدیث در حوزه فلسفه و کلام نشان از آن دارد که فیلسوفان ایران نگاهشان به حوزه فلسفه و کلام به میزان بالا از زاویه مباحث قرآنی و حدیثی است.

حوزه فقه و اصول: واژگان حوزه فقه و اصول بیشترین شباهت را با واژگان حوزه فلسفه دارد و این احتمالاً نشان از جایگاه بالای مباحث فلسفی و کلامی در فقه و اصول می باشد. در اینجا شباهت واژگانی پایین فقه و اصول به واژگان قرآن و حدیث کمی غیر قابل انتظار است. تنها ۶۵۰ مورد از یازده هزار واژگانی که در حوزه فقه و اصول شناسایی شد، بین فقه و اصول و قرآنی و حدیثی داشته باشد و از نکاتی است که مورد توجه قرار بگیرد.

واژگان فقه و اصول به طور قابل توجه (حدود ۳۰ درصد) با واژگان فلسفه و کلام اشتراک دارد. در حالی که شباهت واژگانی این حوزه با حوزه علوم قرآن و حدیث پایین است که علت آن به تحلیل های عمیق نیاز دارد.

حوزه علوم قرآن و حدیث: همان گونه که واژگان فلسفه و کلام شباهت زیادی به واژگان قرآنی دارد، واژگان قرآنی نیز شباهت زیادی به فلسفه و کلام دارد. کمترین شباهت واژگانی علوم قرآن و حدیث با حوزه اخلاق است. در حالی که در حوزه اخلاق توجه نسبتاً زیادی به موضوعات علوم قرآن و حدیث می شود. شباهت واژگانی حوزه علوم قرآن و حدیث به فقه و اصول ۱۲ درصد است. که نشان می دهد در مطالعات قرآن و حدیث احتمالاً به مباحث فقهی نیز توجه می شود گرچه این توجه چندان پررنگ نیست.

واژگان فلسفه و کلام شباهت زیادی به واژگان قرآن و حدیث و واژگان قرآن و حدیث نیز شباهت زیادی به فلسفه و کلام دارد و کمترین شباهت واژگانی علوم قرآن و حدیث با حوزه اخلاق است.



جمع بندی و نتیجه گیری

نشریات یکی از مهم ترین محمل های اشاعه نتایج پژوهش های علمی هر رشته است. مقالات منتشر شده در نشریات نیز به لحاظ سرعت انتشار، تازگی مطالب، تخصصی بودن محتوا و همچنین سهولت دسترسی از ضروری ترین منابع لازم در پژوهش هستند. از این رو، کم و کیف مقالاتی که منتشر می کنند در جهت دست یابی به میزان تطابق مقالات منتشرشده با هدف اصلی این نشریات اهمیت فراوانی دارد (بمانیان، احمدی، اسدپور، ۱۳۹۲).

پژوهش های فلسفی-کلامی یکی از نشریات معتبر در این چهارحوزه است که دو دهه از سابقه انتشار آن می گذرد. انتظار می رود محتوای مقالات این نشریه انعکاس دهنده پژوهش های جدید در این حوزه و نیز دربردارنده گرایش ها و موضوعات بنیادین و بیانگر اولویت های موضوعی موجود در مقطع زمانی خاصی در حوزه فلسفه در ایران باشد. از این رو، بررسی موضوع های مطرح شده در مقاله های این نشریه می تواند علاوه بر اینکه تصویری عینی از شرایط موجود و وضعیت انعکاس تحقیقات در این نشریه باشد، نشان دهنده گرایش موضوعی و کمبودهای احتمالی موجود در این حوزه نیز هست.

کدام موضوعات در حوزه های «فقه و اصول»، «علوم قرآن و حدیث»، «اخلاق»، «فلسفه و کلام» از مرکزیت بالاتری برخوردارند؟

با نگاه به اشتراکات موضوعی چهار حوزه مورد بررسی (نمودار ۴-۱) می توان چنین گفت:

بر اساس تحلیل نشریات علمی ایران، علوم اسلامی، علمی است که اساس آن ها قرآن، تفسیر، احادیث و روایات، خداوند، حکمت و معرفت، کلام و عقل، عرفان، ایمان، احکام و مواردی از این قبیل باشند و قرآن پایه ای ترین مفهوم در این علوم است.

با نگاه به حوزه فلسفه و کلام می توان گفت: بر اساس تحلیل نشریات علمی ایران، حوزه فلسفه و کلام در ایران حوزه ای است که به نظریات ملاصدرا توجه خاص دارد و موضوعات دین، خدا، انسان، علم، قرآن، حکمت و معرفت از مفاهیم مرکزی آن به شمار می آید.

دلیل اهمیت ملاصدرا در مباحث فلسفه و کلام این است که ملاصدرا شیعه مذهب و پیرو آئین دوازده امامی بود، به اصول و فروع دین اسلام و مذهب شیعه اعتقاد داشت. همان طور که در فقه شیعه چهار اصل قرآن، حدیث، عقل و اجماع برای بدست آوردن احکام بکار می رود، ملاصدرا نیز در مباحث عقلی تلاش وافر نمود تا این وجهه از برهان جایگاه خود را در مذهب شیعه دوباره بازیابد. در دهه های اخیر توجه ویژه ای به ملاصدرا در میان سایر فلاسفه اسلامی شده است، اخلاق و فلسفه زندگی ای که ملاصدرا پیشنهاد می کند برخاسته از نگاه های دینی است؛ او از منظر دین است که به زندگی، سعادت، اخلاق، حیات و به انسان نگاه می کند. عقل از دیدگاه ملاصدرا به مثابه این است که وجه معرفتی و مصداقی از دین را بتوانیم از آن





داشته باشیم. وجه بالاتر وجه تحلیلی را می‌توانیم داشته باشیم. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به آن اشاره می‌کند. این‌ها ویژگی‌های خاص ملاصدراست. ملاصدرا برای جامعه اسلامی امروز که گریزان از عقل است و از عقل واهمه دارد و می‌ترسد؛ تفکر عقلی و عقلانیت و عقلانیت دینی می‌آورد. این عقل بسیار می‌تواند در بازسازی فکر دینی مهم باشد. شهید مطهری به درستی اشاره می‌کند که احیای تمدن اسلامی بدون عقلانیت امکان‌پذیر نیست. آگاهی‌ای که مسلمانان باید از سرنوشت خود داشته باشد بدون عقلانیت امکان‌پذیر نیست. این مسئله را در فلسفه ملاصدرا جستجو می‌کنیم. لذا اهمیت ملاصدرا این است که او به تمام رشته‌ها آشنا و بلکه مسلط بوده و توانسته همه این نظام‌ها را مادری کرده و در خود جمع آوری کند.

با نگاه به حوزه فقه و اصول می‌توان گفت:

بر اساس تحلیل نشریات علمی ایران، حوزه فقه و اصول در ایران، حوزه‌ای است که به احکام، مباحث امامیه، مشروعیت، قواعد و مسایل مربوط به تشیع توجه دارد.

با نگاه به حوزه اخلاق می‌توان گفت:

بر اساس تحلیل نشریات علمی ایران، اخلاق حوزه‌ای است که مرکزیت‌های مفهومی در آن سازمان، کسب و کار، رفتار، حقوق و قرآن است.

با نگاه به حوزه علوم قرآن و حدیث می‌توان گفت:

بر اساس تحلیل نشریات علمی ایران، علوم قرآن و حدیث در ایران، حوزه‌ای است که در آن قرآن، تفسیر، احادیث، روایات، امام و امامت و علم در آن مرکزیت دارد.

نتایج بدست آمده را می‌توان با پژوهش داور پناه (۱۳۸۴)، که به مطالعه «روابط میان رشته‌ای در علوم انسانی: تحلیل استنادی»، همسو دانست. نتیجه پژوهش او نشان دهنده آن است که رشته‌های مورد بررسی بین ۱۵ تا ۵۰ درصد متکی به متون سایر رشته‌های علوم انسانی یا غیر علوم انسانی هستند. به علاوه در شکل‌گیری محتوای هر یک از رشته‌های علوم انسانی رشته‌های مختلفی دخیل هستند. مشابه این امر را می‌توان در مطالعات علوم اسلامی مشاهده کرد. یکی از عرصه‌های مهم نگرش و دیدگاه امام خمینی، که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در رفتار سیاسی ایشان داشته است، توجه به مباحث قرآنی و تفسیر سیاسی مختص به ایشان می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است. این نوع نگاه، موضوعات قرآنی را در بطن حوادث جاری در نظام داخلی و نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و برای موضوعات خارجی به تطبیق‌سازی متناسب با واژگان و مفاهیم قرآنی می‌پردازد که حالتی مرحله به مرحله را طی می‌کند. از تحلیل و تبیین واژگانی شروع و به مرحله تطبیق می‌رسد و در آخر به مرحله رفتار سیاسی متناسب با اصول قرآنی منجر می‌شود که در قالب مفاهیم و واژه‌های تعاملی و تقابلی منتشر می‌شود و به مرحله اصول‌سازی نیز منجر می‌شود (کلانتری و دانشیار، ۱۳۹۳) نتیجه حاصله را با پژوهش حاضر به ویژه در بحث موضوعات مشترک چهار حوزه همسو دانست.

پیشنهادهای اجرایی پژوهش

در مجموع، با عنایت به یافته‌های مطالعه حاضر، پیشنهادهای کاربردی برای بهبود کیفی مقالات به محققان و نیز مسئولان نشریه :

۱. هر چند ماهیت حوزه‌های علوم اسلامی به گونه‌ای است که بیشتر مقاله‌های منتشر شده با استفاده از روش کتابخانه‌ای نوشته می‌شوند، اما برخی از موضوعات آن همچون تحقیقات تحلیل محتوا در متون فلسفی، اخلاقی و... می‌توانند به شیوه پیمایشی صورت گیرد و جا دارد مسئولان در انتخاب مقاله‌ها نیم‌نگاهی هم به مقاله‌های پیمایشی داشته باشند و در محققان انگیزه‌های لازم برای تحقیقات پیمایشی را به وجود آورند.

۲. با توجه به محدود بودن این بررسی به تحلیل محتوای مقاله‌های فارسی حوزه علوم اسلامی در پایگاه نورمگز پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی بر روی مقاله‌های دیگر نشریات علمی- پژوهشی و علمی- ترویجی صورت گیرد و با یافته‌های این بررسی مقایسه شود.

۳. به منظور ترسیم دقیق نقشه علمی این حوزه پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی بر روی پایان نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری این رشته به عمل آید و نتایج با یافته‌های این پژوهش مقایسه شود.



فهرست منابع

۱. قندیلی، سیدجواد (۱۳۸۶). «بررسی واژه‌ها و مفاهیم اساسی برنامه درسی در قرآن وحدیت». علوم انسانی - دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۶ (۷۳)، ۶۰-۷۰.
۲. اصطلاحنامه جامع علوم اسلامی، تاریخ بازدید ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵، قابل دسترسی در thesaurus.islamicdoc.org
۳. آغازفعالیت بخش علم سنجی پایگاه سیویلیکا: <http://www.lisna.ir/main/> ۲۱۹۷۷
۴. بمانیان، محمدرضا؛ احمدی، فریال؛ اسدپور، علی (۱۳۹۲). «ارزیابی کمی و کیفی مقالات علمی-پژوهشی». دو فصلنامه مدیریت شهری، ۳۲ (۲)، ۲۸۹-۲۹۸.
۵. توکلی زاده راوری، محمد؛ دهقانی، نجابتیان و سهیلی، فرامرز (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای مقالات فارسی نشریات علمی ایران در زمینه ازدواج و طلاق با روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی». فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۰ (۳۲)، ۷-۲۸.
۶. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۶۰). «علم از دیدگاه اسلام». چاپ اول. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، روابط عمومی، ۷۸.
۷. خاصه، علی اکبر؛ احمدی نژاد، فریبرز و حجازی، سلیمان (۱۳۹۱). «بررسی وتحلیل پژوهش‌های قرآنی در عرصه بین الملل». نشریه قرآن و علم، ۱۰ (۱)، ۱۴۵-۱۶۶.
۸. خامنه‌ای، علی (۱۳۷۳). «ضرورت تحول و نواندیشی در حوزه‌های علوم دینی، رهنمودهای مقام معظم رهبری در شروع درس خارج سال ۷۳»، بازبایی ۲۰ خرداد ۱۳۹۵، از <http://www.hawzah.net>
۹. خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). «تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱ (۴)، ۵۷-۸۳.
۱۰. خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). «میان‌رشته‌گی و مسائل آن در آموزش عالی». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱ (۲)، ۸۵-۱۰۱.
۱۱. داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۴). «روابط میان رشته‌ای در علوم انسانی: تحلیل استنادی». پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۵ (۲)، ۱۷-۳۶.
۱۲. زکی، محمدعلی (۱۳۸۵). «بررسی تحلیل محتوای پژوهشی در مجلات علمی تخصصی مدیریت»، فصلنامه دانش مدیریت، ۱۹ (۷۵)، ۴۳-۷۴.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶). «قرآن در اسلام». چاپ سوم. بوستان کتاب، ۱۸۰.
۱۴. عابدی خوراسگانی، زهرا، (۱۳۹۳)، «مطالعه هم‌نویسندگی در مجلات علمی فارسی حوزه فنی و مهندسی ایران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹: روند رشد رابطه آن باضریب تاثیر». پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علم سنجی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
۱۵. کلاتری، ابراهیم؛ دانشیار، علی رضا (۱۳۹۳). «بررسی تفسیر سیاسی واژه‌ها و مفاهیم قرآنی در انقلاب اسلامی از نظر امام خمینی (ره)». نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹ (۹)، ۵۹-۸۲.
۱۶. لطیفی، میثم (۱۳۹۰). «روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر». اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲)، ۲۵-۵۵.



۱۷. مصطفوی، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۶). « تحلیل ساختار واژگان و مفاهیم مقالات علم اطلاعات و دانش شناسی بر اساس تحلیل شبکه اجتماعی در پایگاه وبگاه علم در دو دوره قبل و بعد از پیدایش وب (۱۹۹۳-۱۹۹۷ و ۲۰۰۹-۲۰۱۳) ». تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه‌های عمومی. (۸۹)، ۲۳۷-۲۶۴.
۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲). « آشنایی با علوم اسلامی ». چاپ بیست و چهارم. صدر، ج۳.
۱۹. نقیب، محمد؛ یوسف تازه‌کندی، عباس (۱۳۹۵). « مطالعات میان رشته ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ». نشریه تفسیر پژوهی. ۳ (۵)، ۱۷۷-۲۰۹.
۲۰. نکونام، جعفر (۱۳۷۸). « اقتراح ماهیت پژوهش در علوم قرآن ». نشریه صحیفه مبین. (۱۸)، ۵-۶.
۲۱. نوروژی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۰)، « آشنایی با علم سنجی (مبانی، مفاهیم، روابط و ریشه‌ها) ». چاپ اول. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۵۱۶.
۲۲. Price, derek J. DebSolla. (۱۹۶۵). Networks of scientific Papers . Science. ۱۴۹. (July ۳۰).P. ۵۱۰- ۵۱۵.
۲۳. Newman, M. E. J. (۲۰۰۱). Scientific collaboration networks: Network construction and fundamental results. Physical Review E, ۶۴(۱): ۱-۷. doi: ۱۰/۱۱۰۳/PhysRevE.۶۴/۰۱۶۱۳۱.
۲۴. Shiffrin, R. M., & Börner, K. (۲۰۰۴). Mapping knowledge domains.
۲۵. Abbasi, A., Hossain, L., & Leydesdorff, L. (۲۰۱۲). Betweenness centrality as a driver of
۲۶. preferential attachment in the evalution of research collaboration networks. Journal of Informetrics, ۶(۳), ۴۰۳-۴۱۲.

